

هیجان انگیز

موسسه «شیراز فیلم» یک فیلمنامه را برای صدور مجوز ساخت ارایه کرده‌است

سوال فرزانه دلجو منتظر پاسخ ار شاد

نورابینگ | فرزانه دلجو، کارگردان و بازیگر سینمای پیش از انقلاب همچنان هم تمایل دارد به سینمای ایران باز گردد و برای آن تلاش‌هایی هم کرده است. او در سال‌های قبل به‌عنوان بازیگر فیلم‌های سینمایی به وزارت ارشاد پیشنهاد می‌شد و اهالی ارشاد هم با آن مخالفت می‌کردند. حالا اما خود آستین‌ها را بالا زده و فیلمنامه‌ای به نام سوال نوشته است. در صورتی که همه چیز درست پیش برود، فرزانه دلجو هم در آن بازی و هم آن را کارگردانی خواهد کرد، اگرچه شنیده‌های «شهروند» از سازمان امور سینمایی نشان می‌دهد که هنوز چنین فیلمنامه‌ای برای بررسی در این سازمان ثبت نشده است. همچنان هم از چند و چون ماجرا خبر زیادی در دست نیست، اما محمدهاشم سبوقی، تهیه‌کننده قدیمی سینما و مدیر «شیراز فیلم» که قصد دارد فیلم دلجو را تولید کند، به «شهروند» می‌گوید چند روزی است که درخواست این فیلم را به وزارت ارشاد ارایه کرده‌اند و حتی دیروز صبح هم درباره آن از ارشاد با او تماس گرفته‌اند، بنابراین احتمالا تا پایان هفته پاسخ آن داده خواهد شد. «هیچ دلیلی ندارد که به این فیلم مجوز ندهند. بارها اعلام کرده‌اند که هیچ ممنوع‌التصویری از سینمای قبل از انقلاب ندارد، اما مشخصا برای بابای ایرانی من سه بار در خواست کردم، هر سه بار هم به دلیل حضور فرزانه دلجو به عنوان بازیگر با آن مخالفت شد.» او پیش از این گفته بود: «وزارت ارشاد با احیای موسسه «شیراز فیلم» موافقت ضمنی کرد و از ما خواست یک فیلمنامه هم برای تولید ارایه دهیم و ما هم «سوال» را ارایه دادیم.» فیلمنامه سوال تنها یک بازیگر ایرانی خواهد داشت که احتمالا فرزانه دلجو آن را بازی خواهد کرد، البته اگر مجوزهای آن داده شود. با وجود این شنیده‌های «شهروند» از سازمان سینمایی حاکی از این است که هنوز فیلمنامه‌ای با این نام و مشخصات به آنها ارایه نشده است. هاشم سبوقی درباره جزئیات این فیلم می‌گوید که جز فرزانه دلجو که تنها بازیگر ایرانی فیلم سوال است، مابقی بازیگران مقابل دلجو از هالیوود می‌آیند: «داستان «سوال» هم مانند تیم بازیگرانش دو ملیتی است و بخشی از آن در ایران و بخشی در آمریکا فیلمبرداری خواهد شد.» او معتقد است که فرزانه دلجو مانند بهروز وثوقی نیست که بگویند پرونده سیاسی دارد و به همین دلیل مانع بازگشتش شوند: «فرزانه دلجو نه مشکل سیاسی دارد و نه امنیتی، حتی پاسپورت ایرانی‌اش هم صادر شده است و اگر پروانه ساخت «سوال» صادر شود، به ایران می‌آید و بلافاصله پروزه وارد پیش تولید خواهد شد.»

حاشیه نویسی

جوان‌ها برای از دواج کار و امنیت می خواهند

ادامه از صفحه اول | اینها در شرایطی کمک می‌کند که زن و مرد کار ثابت و مطمئنی داشته باشند و بتوانند چرخ زندگی را بچرخانند و امروز را به فردا برسانند. تازه این برای مایحتاج اولیه زندگی است. نمی‌خواهیم از شرایط سلامت و رفاه و آسایش روانی حرف بزنیم که ملزومات دیگری می‌خواهد. نمی‌خواهیم از الودگی هوا و آب و اقلیم حرف بزنیم. از آموزش و آینده کودکان و امکانات رشد و پیشرفت‌شان هم نمی‌گوییم. چنین انتظاراتی را بگذاریم کنار. اما یک زندگی برای دوام نیاز به کار و امنیت شغلی دارد. باز هم بگردیم که کار با حقوق کاری و حداقل همچنان زیر خط فقر است و این درخواست از مردم که با چنین شرایطی تن به از دواج بدهند دور از انصاف است. اما همان کار و همان حداقل حقوق را اگر فراهم نکنیم، اگر به جوان‌ها این اطمینان را ندهیم که در آینده اوضاع اقتصادی‌شان مدام دستخوش طوفان‌های مشابه سال‌های اخیر نخواهد شد و دسترسی به مایحتاج زندگی برایشان سخت‌تر و سخت‌تر نخواهد شد، بقیه امتیازات دلخوشکنک است. یک مشت ماهی ریز و درشت است که می‌خواهیم بدهیم میلیون‌ها نفر بخورند بی این که ماهیگیری را یاد بگیرند. این مثال هامبتدل است اما پیش پا افتاده‌ترین شکل بیان واقعیت است و اگر کسی اینها را هم نخواهد متوجه شود و بپذیرد نباید انتظار داشت که به مفاهیم پیچیده‌تر توجه کند.

جوان شغل و امنیت روانی و امید به آینده می‌خواهد اگر راست می‌گوییم باید دنبال فراهم کردن اینها باشیم. کار سختی هم هست، اما همین است. در غیر این صورت همه آن چه در مقابلش می‌گذاریم تا کسه تن به از دواج بدهد، مدینه سرن‌تا از سر گذاشت و ماهی دادن بدون آموزش ماهیگیری است. حقیقت‌هه همین سادگی است: به همین تلخی

در هر یک از اتاق‌های منزل یا محل کار مکانهای امن را تعیین کنید. این مکان می‌تواند زیر یک میز محکم، یا کنار دیوار داخلی به دور از پنجره باشد.

پنج



روایت مهران احمدی از واکنش‌های مردم نسبت به عدم حضورش در پایتخت

نگاهی به سریال ۷۵ قسمتی سیما که ضعف‌های فاحش‌اش صدای خیلی‌ها را درآورد

بوی آزارنده باران

پولاد امین | بیراه نیست اگر سریال بوی باران را یکی از پرتنقاده‌ترین سریال‌های تلویزیون ایران در چندسال اخیر بنامیم. سریالی که از همان نخستین روزی که روی آنتن رفت، به نحو طعنه‌آمیزی با انواع و اقسام انتقادات مواجه شد. انتقاداتی که البته در روزهای اول موضوعی بی‌سابقه چون تغییر نام یک سریال در حال پخش را نشانه رفته بود و بعد هم تقریبا در هر دو سه قسمت به بهانه‌ای نام این سریال را بر سر زبان انداخت.

در روزهای اخیر، البته روند انتقادات از سریال بوی باران حتی در قیاس با هفته‌های قبل هم شدت بیشتری گرفته است. انتقاداتی که به‌خصوص در فضای مجازی جو سنگینی برای عوامل اصلی سریال به‌وجود آورد، تا حدی که برخی از عوامل سریال را هم همگام با منتقدان به انتقاد و اعتراض از «بوی باران» واداشته است؛ از جمله شهاب شادابی، بازیگری که با این سریال معرفی شده، ولی حال‌آن را مبتلا به «خلأفیلمنامه‌ای» خوانده و می‌پرسد: «پرسشی که درباره فیلمنامه بوی باران مطرح است، این نکته منطقی است که چرا شخصیت‌ها و رفتار هاشان منطق روایی ندارد؟ مثلا کاراکتری مثل سهیل با توجه به طبقه و خانواده‌اش چرا باید سراغ دختری چون ترانه برود؟ چه شده که عاشق او شده؟ چرا سراغ فردی همسطح خودش نرفته؟ من

به‌عنوان بازیگر نقش سهیل خیلی دوست داشتم که دلیل دوستی و آشنایی این دو، نمایش داده می‌شد، چرا که این دو، حتی هم‌صنف یا هم‌دانشکده‌ای هم نیستند و بنابراین باید این رابطه برای مخاطبان توجیه می‌شد!» شهاب شادابی البته توجیهی برای این کمبودها دارد و می‌گوید که «بخش‌هایی از این سریال حذف شده است، چون سکانسی نوشته شده بود که توجیه‌پذیر نبود.» اما تماشاگری که مثل او دسترسی به سناریو نداشته که بداند چه بخش‌هایی حذف شده و این حذف توجیه‌پذیر بوده یا نه، این بهانه‌ها را از عوامل سریال قبول نمی‌کند، حتی اگر بازیگر منتقد قبلا با انتقاد از سریال خودش را هم سنگر مخاطبان نمایانده باشد.

عروس تاریکی

نخستین قسمت‌های بوی باران که با نام «عروس تاریکی» روی آنتن رفت و در اتفاقی بی‌سابقه که به‌قول یکی از تماشاگران «مرزهای سریال‌سازی رو فرسنگ‌ها جابه‌جا کرد» تغییر نام داد که به‌عقیده کارگردان «این نام جدید با کلیت اثر سازگاری بیشتری داشت» این سریال درامی اجتماعی است به کارگردانی محمود معظمی و تهیه‌کنندگی محمدرضا تخت‌نشین. سریالی که اولش گفته شد در ۶۰ قسمت ساخته شده، ولی دیروز در خبری به بهانه معرفی سریال‌های ماه محرم ۱۵ قسمت رشد کرد و تبدیل به سریالی ۷۵ قسمتی شد.

سهم خواهی ستاره‌های والیبال جهانی شد

◀ **شایعه تحریم اردوی بلغارستان به خاطر پرداخت نشدن پول؛ آن‌هم در حالی که فدراسیون هنوز ۲۰۰ هزار دلار پاداش FIVB را در یافت کرده‌ا**



اردوی تدارکاتی که دردی از آنها دوانمی‌کند.»

والیبال‌بست‌ماجهمی خواهند؟

شاید برای خیلی‌ها این سوال پیش بیاید که بازیکنان تیم‌ملی دقیقاخواسته‌شان چیست. آنها‌نه‌تنهاامسال بلکه‌در سال‌های گذشته‌نیز باحضور در لیگ‌ملت‌ها برای فدراسیون درآمندی داشتند. همین‌امسال تیم‌ملی والیبال ایران با ۱۲ برد در دور مقدماتی ۱۲۰ هزار دلار درآمد داشت و در دور نهایی هم با قرار گرفتن در رتبه پنجم ۷۵هزار دلار پاداش از سوی فدراسیون جهانی در انتظارش است. ملی‌پوشان قطعا توقع دارند از این ۲۰۰ هزار دلاری که گیر فدراسیون می‌آید، سهمی هم برای آنها در نظر گرفته شود. البته مشکل اصلی اینجاست که به خاطر تحریم‌های بانکی پاداش‌های FIVB به دست فدراسیون ایران نمی‌رسد، اما بازیکنان که خودشان در این مسائل دخیل نمی‌دانند، اعتقاد دارند فدراسیون یا وزارت ورزش باید پاداش‌هایی را برایشان در نظر بگیرند. به هر حال والیبال ایران ۸ ماهی است که با سر پرستی اداره می‌شود و شاید یکی از دلایل اصلی نارضایتی بازیکنان نیز همین مسأله باشد، چون سرپرست فدراسیون به اندازه کافی اختیار ندارد و نمی‌تواند تصمیمات جدی و کلیدی بگیرد.

سکوت فدراسیون، واکنش خوش‌خبر

مسئولان فدراسیون و به‌ویژه افشین داوری که نوک تیز انتقادات به سمت اوست، در روزهای اخیر سکوت کردند و تنها فرد پاسخگو امیر خوش‌خبر، سرپرست تیم‌ملی به حساب می‌آید. او در واکنش به شایعات اخیر به «شهروند» می‌گوید: «بازیکنان خواسته‌های بحق دارند، اما این که مسابقات مهمی مثل المپیک، راه‌خاطر چنین مسائلی تحت‌تأثیر قرار دهند، اصلا درست نیست. لغو اردوی بلغارستان با تصمیم کولادوویچ و برای جلوگیری از مصدومیت بازیکنان بود و هیچ ربطی به اعتراض بازیکنان نداشت. آنها اگر خواهند اعتراض کنند، می‌گویند به مسابقات اصلی نمی‌رویم، چون رفتن به

«بهبود» سریال پایتخت چند سسری بعد از مرگش در این سریال پر مخاطب قرار است دوباره در این سریال ایفای نقش کند. پیشتر شنیده‌شده بود که مهران احمدی قرار است روح‌بهبود را بازی کند، اما حالا خودش گفته قرار نیست در نقش روح ظاهر شود. مهران احمدی بعد از سری سوم این سریال اعلام کرد که علاقه‌ای به تکرار نقشی که بازی کرده ندارد و به این ترتیب در فصل چهارم مجموعه «پایتخت» حضور پیدا نمی‌کند. اما اکنون خبرها حاکی از آن بوده که قرار است در فصل ششم این سریال حضور پیدا کند. احمدی به ایلنا گفت: «خودم گفته بودم که نمی‌خواهم یک کاراکتر را مجدد تکرار کنم، ولی مردم جایگاهی دارند که به هر صورت برای من عزیز و محترم است. در واقع با قبول بازی در فصل ششم پایتخت، من در برابر خواست مردم تسلیم شدم.»



فاجعه اون جاست که عجایب حقوقی این فیلم رو نویسندگان سریال‌های دیگه می‌بینن و می‌شه مبنای فیلمنامه‌های دیگه. چرا این قدر فیلم‌ها ایراد حقوقی دارن؟!» این موضوعی است که محمود معظمی آن را نمی‌پذیرد: «ما چه هنگام نگارش متن و چه زمان تولید سریال از مشاوراتی در زمینه‌های مورد نظر استفاده می‌کنیم که تمام قسمت‌های سریال توسط آنها خوانده و تأیید می‌شود.» این یعنی که کارگردان ادعا می‌کند ایرادی هم وجود داشته باشد، گردن مشاوراتی است که باید گوشزد می‌کردند و این کار را نکرده‌اند.

بوی خون

با این که محمود معظمی ادعا دارد که «ما تمام اصول کار کردن در تلویزیون را می‌دانسیم و با توجه به آنها کار را آماده می‌کنیم» اما مروری بر بازتاب‌های رسانه‌ای و مجازی سریال نشان می‌دهد که ظاهرا خیلی چیزها را هم نمی‌دانسته‌اند که چنین سریالی حاصل آمده است. سریالی که به باور بسیاری از منتقدان «ترکیبی از بالیوود، سریال ترکیه‌ای، ژانر وحشت، ژانر معمایی و آب‌بستن‌های متداول سریال‌های ایرانی» است. شماری از مخاطبان هم «بوی باران» را یک اثر مازوخیستی نامیده‌اند و البته عده‌ای هم آن را بهانه کرده‌اند برای طنزهای همیشگی‌شان: «میگن تو بهشت زهرا به قطعه جدید زدن، اسمش رو گذاشتن بوی باران.» یا: «نگران کشته‌های سریال بوی باران نباشید، اینا وایت واکر می‌شن فصل بعد بر می‌گردن.» و این یکی: «اول عروس تاریکی بود، بعد شد بوی باران، بعید نیست آخرش هم بشود بوی خون!»

ناظر کیفی

در تمام سریال‌ها و فیلم‌های تلویزیونی کسی وجود و حضور دارد به نام ناظر کیفی. آیا این که انتظار داشته باشیم این ناظران علاوه بر نظارت بر پوشش بازیگران روی چنین مواردی هم دقت داشته باشند، توقع بیش از اندازه‌ای است؟ قصد بر این بود این را از یکی از مدیران گروه فیلم و سریال بیروسیم، اما ظاهرا در این آب و خاک با پاسخگویان برخی از رسانه‌ها روابط خصوصی یا پاسخگویان برقرار کرده‌اند!

پاداشت

اگر دروغ ترامپ راست بود...

ادامه از صفحه اول | از این مثال‌ها تا دل‌تان بخواهد، هست و همه آنها نشان می‌دهد در صداوسیما و در شرایط عادی تقریبا همه چیز همان طوری که مدیران می‌خواهند، سرچایش قرار دارد و همه کارشان را همان‌طور که باید، انجام می‌دهند، اما یک پروتکل برای مواجهه با اتفاقات غیرعادی و مخصوصا بحران‌ها وجود ندارد. همه بهانه‌ها برای این بود که خواستیم بگویم اوضاع در خلیج فارس بر تنش است. هر تنش کوچک و منطقه‌ای در این شرایط، ممکن است تبدیل به مسأله‌ای بزرگ و بین‌المللی شود. در چنین شرایطی هر نوعی از مواجهه، مخصوصا، نبرد ما با طرف آمریکایی یا غربی، پیش و بیش از هر چیز جنبه رسانه‌ای خواهد داشت. به نظر می‌رسد ما هر چه از نظر استراتژی نظامی دستمان پر است و سنسار بوهای مختلفی برای شرایط متفاوت داریم، در عرصه رسانه تقریبا سردرگم و گیج مانده‌ایم. بلا و جنگ به دور، اما بیابید دروغ ترامپ که گفته بود آن شب قصد داشته دستور حمله به ایران بدهد را راست فرض کنیم. بعد هم فرض کنیم دستور حمله می‌داد. اگر چنین اتفاقی می‌افتاد، اگر چنین اتفاقی در آینده بیفتد، بخش‌های خبری ما چه واکنشی نشان خواهند داد؟! «اسلامی‌ها دانند چه باید بکنند؟ بر طبل جنگ بکوبند؟ مردم را به آرامش دعوت کنند؟ مردم را برای ثبت‌نام و اعزام به جبهه در روزهای آتی تهییج کنند؟ این سردرگمی اگر چه در صداوسیما بیشتر دیده می‌شود، اما در برخی موارد خاص و ملی، مشکل همه رسانه‌هاست. جلسات گاه و بیگاه شورای عالی امنیت ملی، وزارت اطلاعات، شسورای امنیت کشور و برخی نهادهای دیگر با افراد گزینش‌شده در رسانه‌های گزینش‌شده یا راسال پراکنده امپیل‌ها و پیامک دردی را دوانمی‌کند، مخصوصا این که در بسیاری از موارد افرادی که باید اهالی رسانه را در زمینه‌های بحرانی توجهی کنند، خودشان شناخت رسانه‌ای کافی ندارند. کاش یکی پیدا شود و بگوید: خبر نداری، جلسات منظم و کاربردی با سردبیران رسانه‌ها گذاشته‌اند و سنسار بوهای مختلفی از جنگ در سطوح مختلف نامذکره را بررسی کرده‌اند، بسیاری از واقعیت‌ها را با اهالی رسانه در میان گذاشته‌اند و حالا همه می‌دانند در چه موقعیتی چه باید بکنند. تلویزیون هم تکلیفش با خودش مشخص شده و با واکنش رسانه‌ای سریع، اجازه جریان خبری را به غریبه‌ها و ناگاران نخواهد کرد.